

# دولت و دغدغه مدرسه

## ميلاد نوروزي

تقريباً هفته‌اي نيست که در عالي‌ترين سطح دولت و از سوي مسعود پزشکيان در خصوص مدرسه و جا يگاه مهم آن در حل چالشهاي بنيادين کشور نشنيده باشيم. از اين جهت شايد بتوان او را اولين و منحصربه‌فردترين رييس دولت ادوار جمهوري اسلامي ناميد که اينچنين باور و اعتقاد خود را به جا يگاه مدرسه و نظام آموزش کشور در توسعه ايران در عرصه عمومي طرح مي‌کند. از اين چشم‌انداز مي‌توان او را با ماهاتير محمد، نخست‌وزير مالزي در سالهاي دور و نزديک مقايسه کرد. او که هم پزشک جراح است و هم رهبر توسعه و تحول مالزي جديد؛ يکي از برجسته‌ترين رهبران در جهان محسوب ميشود که عمق توجه و اهميتش به مساله آموزش، هميشه الهام‌بخش و شاهد مثالهاي بسياري از علاقه‌مندان به توسعه است. عصاره جان و کلام پزشکيان پيرامون مدرسه که به انحاي مختلف در محافل گوناگون طرح مي‌کند، اين است که با دست فرمان فعلي ره به جايي نمي‌بريم. اهميت اين نگاه؛ در اين نيست که تاکنون کسي به آن پي نبرده باشد؛ سالها و بلکه دهه‌هاست از زبان کنشگران آموزش و توسعه کشور پيرامون اين دغدغه سخنهاي فراوان رفته است. اهميت کلام پزشکيان به مقامي است که او در آن جا يگاه؛ اينچنين دغدغه‌مندی خود را در عرصه عمومي پيرامون مدرسه طرح مي‌کند. اين امر مبارکي است؛ اما به نظر ميرسد او در طرح و حمايت از اين دغدغه تنهاست و ساختار و نظم و برنامه مشخصي براي عملي شدن اين دغدغه در دولت وجود ندارد. نسبت سخنان او با آنچه در اسناد بالادستي آموزش و پرورش ناميده ميشود، مشخص نيست. بدنه حاکميت به قدر گستره و عمق توجه او به آموزش و پرورش توجه نمي‌کند. به عنوان مثال آنچه براي او اولويت است براي برخی مديران در اين حوزه دغدغه نيست. مقايسه سخنان پزشکيان و برخی مديران در قريب پنج ماهي که از عمر دولت سپري ميشود، نشان مي‌دهد نگاه پزشکيان در اين حوزه راهبردي و مديران اين حوزه در نادرترين و عالي‌ترين موضع‌گيريها در اين سطح نهايتاً اجرايي بوده است. شاهد اين مساله تغييرات کند وزارتخانه و حوزه ستادي و گرفتاري و دلمشغولي وزارتخانه در روزمرگيهايي است که دهه‌ها آموزش و پرورش مبتلا به آن است. مثال ديگر مساله کنکور است. پزشکيان از

ضرورت تغییر ساختار و شیوه آموزش فعلی در مدارس می‌گوید و در مقابل؛ دلمشغولی وزارتخانه در عالی‌ترین سطح، میزان تاثیر یا عدم تاثیر معدل امتحان نهایی در کنکور و استمرار یا عدم استمرار آزمون‌های نهایی در دوره دوم متوسطه است. پزشک‌یان از ضرورت عدالت آموزشی و برخورداری همه اقشار مردم از آموزش و پرورش برابر و رایگان و کاهش شکاف بین فقیر و غنی در بهره‌مندی از آموزش باکیفیت می‌گوید؛ در مقابل وزارتخانه در همراهی با مجلس از طرح موسوم به طرح تحولی در آموزش و پرورش و ایجاد معاونت اقتصادی در وزارتخانه و زمینه‌چینی و فلسفه‌بافی برای درآمدزایی از مدارس و بهره‌مندی آموزش و پرورش از درآمدهای اختصاصی به منظور کاهش وابستگی آن به دولت می‌گوید. همین چند مورد برای پرده برداشتن از فاصله‌ای که بین ارکان دولت و حاکمیت با نگاه رییس‌جمهور به مدرسه و نظام آموزش وجود دارد، کفایت می‌کند. اما چاره چیست؟ به نظر نگارنده سه گام در بدو امر ضروری‌تر است:

۱- در گام اول دولت و رییس آن بهتر از همه می‌داند که فرصت پیش روی او برای انجام اقدام موثر و راهبردی در این حوزه بسیار کوتاه‌تر از آنی است که تصورش می‌رود. حجم مشکلات و مسائل مبتلابه دیگر کشور نیز مزید بر نابسامانی‌های حوزه آموزش است. لذا اگر واقعا اراده‌ای بر پیگیری و عملیاتی ساختن این دغدغه‌مندی وجود دارد ابتدا باید مجموعه دولت به ویژه آموزش و پرورش را نسبت به این مهم توجیه و همسو کرد و مهم‌تر اینکه خود رییس دولت، رهبری آن را بر عهده بگیرد.

۲- قید برخی نهادها و بروکراسی‌های معمول و دست و پاگیر و تودرتو که منافع اشخاص و گروه‌های ذی‌نفوذ در آن باعث قربانی و تکه پاره شدن نگاه‌های نو و ساختارشکنانه - به این معنا که رییس دولت نیز ساختار فعلی را در نظام آموزشی به درستی ناکارآمد می‌داند - می‌شود را بزند. نگاهی کوتاه به ساختار و ترکیب این نهادها، نشان می‌دهد که اولاً هر کدام از این ساختارها به اندازه یک وزارتخانه بودجه و هزینه و بروکراسی عریض و طویل و خدم و حشم دارند؛ اما پاسخگو و مسوولیت‌پذیر نیستند. این ساختارها برای برخی شخصیت‌ها و افراد در کشور نیز حکم سرجهازی را دارند یا در مورد دیگر، نورسیدگانی چون آن نماینده تندرو، هر بار با پیدا کردن سوراخ دعایی جدید، مرام مردم‌داری را فراموش کرده و راه ترقی را در چشم دوختن به لب‌های آن دیگری و انکشاف معناهای جدید و تقنین قوانین ناکارآمد می‌یابد.

در واقع اینها از سنخ از آدم‌هایی هستند که در طول و عرض نظام تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی کشور و طی این سال‌ها همواره مانع

اراده‌هایی شده‌اند که این احساس در جامعه شکل بگیرد که اثر صدا و رد نگاه مردم در سیاست‌های حاکمیت شنیده و دیده شود. از رفع حصر و فیلترینگ و تصمیم‌گیری پیرامون موضوعی چون امتحانات نهایی، حجاب و ... همه موید چنین وضعی است.

۳- پزشک‌ها باید بدانند که وفاق علاج همه دردهای مملکت نیست. او که جراح حاذقی نیز است بهتر از همه می‌داند که گاه برای نجات جان انسانی، به ناگزیر عضوی را باید قطع کرد. دولت باید ناف چنین ساختارهایی ناکارآمدی را از خود بگسلد. نمی‌توان هم دست و پای دولت را بست و هم در مقابل، آنجایی که باید پاسخگو بود در قالب و قامت مدعی‌العموم و اپوزیسیون دولت آن را بازخواست کرد. ادامه چنین مشی‌ای بیش از همه به ضرر دولت و تیشه به ریشه اعتبار و اعتمادی است که دولت از رهاورد انتخابات و برخی اقداماتش تاکنون حاصل کرده است.

عضو سازمان معلمان ایران

شماره: ۰۲۱-۱۷۰۰۰۰۰۰۰۰ ۱۴۰۳